



بازتاب قیام عاشورا در
سروده‌های شاعران
اهل سنت

سیدهادی میرآقایی - نویسنده و مدرس زبان و ادبیات فارسی



چکیده:

ادبیات فارسی، آیینی احساسات و عواطف پاک شاعرانی است که از سر ارادت و عشق به آستان معشوق، به سرودن شعر پرداخته‌اند به ویژه شعری که شمیم محبت اهل بیت^(ع) مشام جانشان را نوازش داده و دل در گرو محبت آنان نهاده‌اند و شعر آیینی سروده‌اند. چنین شاعران بزرگواری علاوه بر آن که اندیشه متعالی آنان در جریده عالم ثبت می‌شود حلقه اتصال دوستداران اهل بیت^(ع) به آیندگان می‌شوند. یکی از عناصر فرهنگی که جزء مضامین اصلی سروده‌های شاعران قرار گرفته، قیام عاشورا و نهضت حسینی است. در این رهگذر فرهنگی، تنها شاعران شیعی مذهب به ابراز ارادت به حضرت اباعبدالله^(ع) و نهضت ایشان پرداخته‌اند بلکه شاعرانی از اهل سنت نیز، جانمایه شعر خویش را با ابراز ارادت به اهل بیت^(ع) و عاشورا مزین ساخته‌اند. این مقاله درصدد است تا جلوه‌هایی از ارادت شاعران اهل سنت به قیام عاشورا و شخصیت و الامقام حضرت حسین بن علی^(ع) را نشان دهد.

واژگان کلیدی: حضرت اباعبدالله حسین^(ع)، قیام عاشورا، شعر آیینی، شاعران اهل سنت.

مقدمه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازتاب قیام دلاورانه امام حسین^(ع) و یارانش در کربلا در ادبیات فارسی، تاریخی دیرینه دارد. نخستین شاعر شیعی که به منقبت اهل بیت^(ع) پرداخته کسای مروز (متولد ۳۴۱ هـ.ق) است که هم در مدح امام علی^(ع) و هم در مرثیه شهدای کربلا از وی اشعاری برجای مانده است. از جمله در منقبت امام علی^(ع) چنین سروده است:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر

بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد

جز شیر خداوند جهان، حیدر کرار

این دین هدی را به مثل دایره‌ای دان

پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیمبر

چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

(کسای، ص ۳۷)

وی سوگنامه‌ای درباره قیام عاشورا و حضرت اباعبدالله^(ع) و یارانش سروده که از فحوائی آن این گونه فهمیده می‌شود که شاعر از روی درد و ناله‌ای عمیق، چنین لب به سخن گشوده است؛ و هر بیتی از آن گدازه‌های دل پاره‌پاره شاعر است که در کسوت کلمات درآمدی است.



در ادامه چند بیت از آن مرثیه، تیمناً نقل می‌شود و خوانندگان را به اصل قصیده ارجاع می‌دهیم:

باد صبا درآمد، فردوس گشت صحرا
و آراست بوستان را، نیسان به فرش دیبا...
میراث مصطفی (ص) را فرزند مرتضی (ع) را
مقتول کربلا را تازه کنم تولا
آن میر سر بریده در خاک و خون تپیده
از آب ناچشیده گشته اسیر غوغا
آن پنج ماهه کودک باری چه کرد و یحک
کز پای تا به تارک مجروح شد مفاجا
آن زینب غریوان اندر میان دیوان
آل زیاد و مروان نظاره گشته عمدا
بر مقتل ای کسای برهان همی نمایی
گر هم بر این بیایی، بی‌خار گشت خرما
تا زنده‌ای چنین کن دل‌های ما حزین کن
پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا

(کسای، ص ۷۹-۷۶)

دیدگاه امامان معصوم درباره مدیحه‌سرایی

در این مقاله به بررسی دیدگاه امامان شیعه و پیشوایان اهل بیت (ع) درباره سرودن منقبت و مصیبت اهل بیت (ع) می‌پردازیم و سپس به شاعران اهل سنت و اشعار آنها در این حوزه اشاره می‌کنیم. امامان معصوم (ع) همواره شاعران را به سرودن مرثیه‌های زیبا درباره حضرت اباعبدالله (ع) و واقعه جان‌گداز کربلا سفارش کرده‌اند از آن جمله:

الف: نظر امام صادق (ع)

شیخ صدوق در کتاب امالی روایتی را از ابوعماره‌المنشد از امام صادق (ع) نقل می‌کند و می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای اباعماره درباره حسین (ع) برای من شعری بخوان، خواندم و خواندم و گریست و گریست تا صدای گریه از خانه بلند شد. آنگاه فرمود ای اباعماره هر که نوحه‌ای برای حسین (ع) بخواند و پنجاه کسی را بگیراند مستحق بهشت است و هر که نوحه‌ای بخواند و سی کس را بگیراند مستحق بهشت است و هر کس بخواند و بیست کس را بگیراند مستحق بهشت است و ده کس را هم که بگیراند مستحق بهشت

است و یکی را هم که بگریاند مستحق بهشت است و نوحه بخواند و خود هم بگرید مستحق بهشت است و تباکی هم کند مستحق بهشت است. (صدوق، ص ۱۴۱)

ب: نظر حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)

ابوالفرج اصفهانی در کتاب «الآغانی» به ذکر یکی از مجالس مرثیه‌سرایی که در پیشگاه حضرت امام رضا^(ع) برگزار شده و دعبل خزاعی نیز در آن افتخار حضور و شعرخوانی داشته، پرداخته و چنین آورده است: خدمت سرورم امام رضا^(ع) رسیدم، دیدم آن حضرت به همراه یارانش غمگین و اندوهناک نشسته است. هنگامی که مشاهده فرمود مرا که به سمت ایشان می‌آدمم، فرمود: مرحبا به دعبل. آفرین بر کسی که با دست و زبان خود ما را یاری می‌رساند. آنگاه آن حضرت من را در کنار خود نشانده و فرمود: ای دعبل! از تو می‌خواهم شعر بسرای، به جهت آن که این روزها برای اهل بیت، روزهای غم و اندوه است و برای دشمنان ما، خصوصاً بنی‌امیه روزهای شادی و سرور می‌باشد. ای دعبل! هر آن کس که بر مصیبت ما اشکی بریزد و یا کسی را بگریاند حتی یک نفر را پاداش او با خداوند است. ای دعبل! هر کس دیدگانش بر مصیبت ما بگرید، همراه با ما و در زمره ما محشور خواهد شد. (اصفهانی، ج ۲، ص ۱۴۸)

مدح وستایش امامان معصوم^(ع) در شعر شافعی

بیشتر شاعران اهل سنت ارادت خود را نسبت به امامان معصوم^(ع) بیان کرده‌اند از جمله ابو عبدالله محمد بن ادریس بن العباس معروف به «الامام الشافعی» (۲۰۴-۱۵۰هـ) پیشوای مذهب شافعی که درباره محبت اهل بیت چنین سروده:

يا آل بيت رسول الله حُبُّكم
فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
يَكْفِيكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ انْكُمْ
مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

(شافعی، ص ۱۰۱)

ترجمه: ای خاندان رسول خدا، محبت و دوستی شما از طرف خداوند واجب شده و این فریضه‌ای است که در قرآن نازل فرموده است. همین افتخار بزرگ برای شما بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد نمازش، باطل است.

در شعر دیگری این‌گونه ارادت خود را به اهل بیت^(ع) بیان کرده است:

أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيْعَتِي
وَهُمْ وَآلِيهِ وَسَيْلَتِي



أَرْجُو بِهِمْ أَعْطَى غَدَا بِيَدِي الْيَمِينِ صَحِيفَتِي

(شافعی، ص ۷۸)

ترجمه: خاندان پیامبر^(ص) دستگیره و چنگ آویز من اند و هم آنان وسیله ام به سوی خدا هستند. امیدوارم که به عنایت و حرمت آنان فردای قیامت نامه اعمالم به دست راستم داده شود.

ابوالفضل یحیی بن سلامه خصکفی، از علمای نامدار قرن ششم هجری (۵۵۱م) در قصیده مشهور خویش تمام اسامی امامان را در صدر کتابی به نام «الائمه الاثنا عشر» آورده است. (میرآقایی، ص ۷۹)

ارادات برادران اهل سنت به امام حسین^(ع) از نظر علمای اهل سنت

مولوی محمد برفی از علمای اهل سنت بیرجند درباره ارادت برادران اهل سنت به امام حسین^(ع) نوشته است «عشق و ولای حسنین^(رض) اختصاص به مذهبی خاص ندارد بلکه همه امت اسلامی اعم از اهل تسنن و اهل تشیع به ایشان هم به لحاظ نوه پیامبر بودن و هم به لحاظ فضایل شخصی، عشق می‌ورزند ... سیره و زندگانی حسنین^(رض) با توجه به تغییر شرایط اجتماعی زمان آن دو بزرگوار می‌تواند امروز بهترین الگو برای امت اسلامی باشد چون امروز بیش از هر زمانی جهان اسلام نیازمند رهبرانی مجاهد چون حسین^(رض) و رهبرانی مصلح چون حسن^(رض) می‌باشد تا در مسیر اصلاح جامعه با اقتدا به اقدام صلح‌جویانه حسن^(رض) بستر صلح و همزیستی و وحدت و همدلی را برای امت اسلامی فراهم سازند و با اقتدا به قیام آزادی‌خواهانه حسین^(رض) طاغوت‌های یزیدی عصر را به زانو در آورند. (برفی، ص ۶۳)

جلوه‌هایی از ارادات شاعران اهل سنت

اگر بخواهیم اسامی همه شاعران اهل سنت را که برای امام حسین^(ع) ابراز ارادت کرده‌اند و شعر سروده‌اند بیاوریم نه در حوصله خوانندگان است و نه صفحات محدود مجله به ما این اجازه را می‌دهد. پس به مصداق:

أَب دَرِيَا رَا اِگَر نَتَوَان كَشِيْد

هم به قدر تشنگی باید چشید (مولوی)

تنی چند از برجستگان و برگزیدگان آن‌ها را در ادوار مختلف تا عصر حاضر معرفی می‌کنیم و به مرور آثار آیینی آن‌ها می‌پردازیم.

۱- شیخ احمد جام

شیخ احمد جام نامقی در سال ۴۴۰ هـ ق در قریه نامق (نامک) از شهرستان ترشیز (کاشمر) چشم به جهان گشود. وی ملقب به «شیخ الاسلام» که گاهی به «ژنده پیل» و «شیخ جام» و «پیر جام» نامیده می‌شود از بیست و دو سالگی، تحول روحی در وی به وجود آمد در عزلت و انزوا به عبادت و به کسب علم و شریعت پرداخت. چهل ساله بود که از عزلت کوهستان بیرون آمد و به وعظ و ارشاد خلق پرداخت. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: ۱- رساله سمرقندیه ۲- انس التائبین ۳- مفتاح النجات ۴- بحار الحقیقه ۵- روضه المذنبین ۶- دیوان اشعار.

شیخ احمد جام، در دو شعر خود این‌گونه به حضرت علی^(ع) و حسنین^(ع) اشاره کرده است:

آن وصی رسول و ابن عمش

که علی نام و شیر خدا و حیدر ماست

آن دو سبط نبی، حسن و حسین

دیده ما شبیر و شبّر ماست (جامی، ص ۸۷)

عاشقانی کاندترین ره، مست و حیران رفته‌اند

در تمام بی‌خودی با نور ایمان رفته‌اند

همچو حیدر در شجاعت، نفس خود را کشته‌اند

چون حسین و چون حسن، سوی شهیدان رفته‌اند

(جامی، ص ۱۴۳)

۲- سیف فرغانی (سیف فرغانه)

کهن‌ترین شعری که به زبان فارسی از شاعران اهل سنت درباره امام حسین^(ع) در تاریخ ادبیات ایران ثبت شده و به دست ما رسیده است شعر سیف‌الدین محمد فرغانی است. شاید شاعران اهل سنت قبل از وی شعر سروده باشند ولی متأسفانه تا آنجایی که نگارنده جست‌وجو کرد به دست نیامد. دکتر ذبیح‌الله صفا در معرفی این شاعر گران قدر نوشته است: «وی از شاعران و استادان حنفی مذهب قرن هفتم و هشتم هجری است. با مرتبه بلند خود در شعر به سبب انقطاع از عالم و گوشه‌گیری از دونان و امتناع از مدح امرای ظالم و فاسد زمان در یکی از خانقاه‌های شهر کوچک آقسرا به گمنامی درگذشت.» (صفا، ص ۶۲۹) چند بیت از قصیده پرسوز و گداز وی درباره شهادت حضرت اباعبدالله^(ع) در زیر می‌آید:

ای قوم درین عزا بگریید

بر کشته کربلا بگریید



با این دل مرده خنده تا چند
امروز درین عزا بگریید
فرزند رسول را بکشتند
از بهر خدای را بگریید
از خون جگر سرشک سازید
بهر دل مصطفی بگریید
در ماتم او خُمش مباشد
یا نعره زنید یا بگریید
تا روح که متصل به جسم است
از تن نشود جدا بگریید
در گریه سخن نکو نیاید
من میگویم شما بگریید
بسیار در او نمی‌توان بود
بر اندکی بقا بگریید
بر جور و جفای آن جماعت
یک دم ز سر صفا بگریید
اشک از پی چیست تا بریزید
چشم از پی چیست تا بگریید
در گریه به صد زبان بنالید
در پرده به صد نوا بگریید

(فرغانی، ص ۱۹۵)

۳- جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)

او همان شاعر و عارف مشهور قرن هفتم است که غزل‌های پر شورش در ادبیات فارسی، زبان‌زد خاص و عام است و با آثاری چون «مثنوی معنوی»، «غزلیات شمس»، «مجالس سبعة»، «فیه‌ما‌فیه» و «مکاتیب» در ادبیات فارسی ماندگار و جاویدان شده است. وی عواطف و احساسات خویش را نسبت به یاران اهل بیت^(ع) و شهیدان کربلا در دیوان شمس با سرودن غزل - قصیده‌ای چنین بیان کرده است:

کجایید ای شهیدان خدایی
بلاجویان دشت کربلایی

کجایید ای سبک روحان عاشق
 پرنده‌تر ز مرغان هوایی
 کجایید ای شهبان آسمانی
 بدانسته فلک را درگشایی
 کجایید ای ز جان و جا رهیده
 کسی مر عقل را گوید کجایی
 کجایید ای در زندان شکسته
 بداده وام‌داران را رهایی
 کجایید ای در مخزن گشاده
 کجایید ای نوای بی‌نوایی
 در آن بحرید کاین عالم کف او است
 زمانی بیش دارید آشنایی

(مولوی، ص ۵۳۷)

مولوی آن قدر زیبا توانسته احساسات و ارادت خویش را در جان کلمات بگنجاند که خواننده به محض شنیدن آن، احساس می‌کند این شعر، سروده یکی از شاعران معاصر است. و در مثنوی نیز در داستانی با عنوان «تعزیت داشتن شیعه اهل حلب هر سالی در ایام عاشورا» که با ابیات زیر شروع می‌شود:

روز عاشورا همه اهل حلب
 باب انطاکیه اندر تا به شب
 گرد آید مرد و زن جمعی عظیم
 ماتم آن خاندان دارد مقیم
 ناله و نوحه کنند اندر بکا
 شیعه عاشورا برای کربلا
 بشمرند آن ظلم‌ها و امتحان
 کز یزید و شمر دید آن خاندان ...

داستان چنین است که مردم شهر حلب در روز عاشورا در کنار دروازه شهر، به عزاداری مشغول بودند. شاعری به آن‌ها رسید و گفت: برای چه کسی عزاداری می‌کنید؟ زیرا من شاعرم و می‌توانم مرثیه‌سرایی کنم. یکی از عزاداران گفت: تو شیعه نیستی یا دشمن پیغمبر^(ص) هستی؟ روز عاشورا، عزای شخصیتی است که از مردم یک قرن بالارزش‌تر است. گفت این خبر چقدر دیر به شما رسیده است. مگر در خواب غفلت فرورفته بودید؟ زیرا حسین



بن علی^(ع) برای رهایی از زندان مادی جهان قیام کرد و به عالم واقعی رفت. شما باید به حال خودتان گریه کنید!

پس عزا بر خود کنید ای خفتگان
زانک بد مرگیست این خواب گران
روح سلطانی ز زندانی بجست
جامه چه درانیم و چون خاییم دست
چونک ایشان خسرو دین بوده‌اند
وقت شادی شد چو بشکستند بند

(مولوی، ص ۹۶۷)

۴- سعدی

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که در ادبیات فارسی به «استاد سخن» معروف است و نثر مسجع را با تألیف «گلستان» به حد اعلا رساند و با سرودن «بوستان»، به ادبیات تعلیمی ایران غنا بخشید. غیر از دو اثر مزبور، سروده‌های استادانه و زیبایی در قالب‌های گوناگون شعری دارد که معرف همگان است. وی ارادت خود را به اهل بیت^(ع) با سرودن ابیات زیر بیان کرده است:

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند؟
جبار در مناقب او گفته: «هل اتی»
فردا که هرکسی به شفیعی زنند دست
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی
پیغمبر آفتاب منیر است در جهان
وینان ستارگان بزرگند و مقتدا
یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه
یارب به خون پاک شهیدان کربلا
دل‌های خسته را به کرم مرهمی فرست
ای نام اعظمت در گنجینه صفا

(سعدی، ص ۶۴۸)

۵- عبدالرحمان جامی

شاعر و نویسنده معروف در ۸۱۷ هـ ق در روستای خرچرد جام ولادت یافت. به مناسبت مولد خویش (جام) و نیز به سبب ارادت باطنی به شیخ‌الاسلام احمد جامی معروف به «شیخ جام»، تخلص جامی را برگزید. وی در عرفان و تصوف پیرو طریقه نقشبندی بود و به سعدالدین کاشغری، خلیفه نقشبندی ارادت می‌ورزید. جامی در سال ۸۹۸ هـ ق درگذشت. (نظامی، ص ۶۹)

وی علاوه بر آن که در ابراز ارادت به حضرت رضا^(ع) شعر سروده و زمانی هم که به عراق رفت و به زیارت عتبات عالیات شتافت، در وصف زیارت امام حسین^(ع) قصیده‌ای چنین سرود:

کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین
هست این سفر به مذهب عشاق، فرض عین
خدام مرقدش به سرم گر نهند پای
حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین
کعبه به گرد روضه او می‌کند طواف
رکب الحجیج این تروحون این این
جامی گدای حضرت او باش تا شود
با راحت وصال مبدل عذاب بین

(جامی، ص ۹۴-۹۳)

۶- اقبال لاهوری

اندیشمند پاکستانی در چند اثر خود به حادثه کربلا اشاره کرده است. در «اسرار خودی و رموز بیخودی» مثنوی‌ای با عنوان «در معنی حریت اسلامی و سر حادثه کربلا» به قیام عاشورا این‌گونه اشاره کرده:

هر که پیمان با هوالموجود بست
گردنش از بند هر معبود رست
آن شنیدستی که هنگام نبرد
عشق با عقل هوس پرور چه کرد
آن امام عاشقان پور بتول
سرو آزادی ز بستان رسول
بر زمین کربلا بارید و رفت
لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد
موج خون او چمن ایجاد کرد
بهر حق در خاک و خون غلتیده است
پس بنای لا اله گردیده است
مدعایش سلطنت بودی اگر
خود نکردی با چنین سامان سفر

(اقبال، ص ۱۵۶)



در همین کتاب در مثنوی دیگری که برای حضرت فاطمه^(س) با عنوان «سیدالنسا فاطمه زهرا اسوه کاملی است برای نسای اسلام» سروده، پس از مدح و ستایش حضرت فاطمه^(س) و حضرت علی^(ع) و امام حسن^(ع) به مخاطب شعر خویش توصیه می‌کند که آزادگی و حریت را از امام حسین^(ع) بیاموز:

و آن دگر مولای ابرار جهان
قوت بازوی احرار جهان
در نوای زندگی سوز از حسین
اهل حق! حریت آموز از حسین

(اقبال، ص ۱۸۷)

در «زبورعجم» در بیتی از یک غزل این‌گونه به امام حسین^(ع) و کربلا اشاره می‌کند:
ریگ عراق منتظرگشت حجاز تشنه کام
خون حسین باز ده کوفه و شام خویش را

(اقبال، ص ۴)

۷- عبدالله سنندجی

عبدالله فرزند محمدآقای سنندجی، ملقب به رونق، در بین سال‌های ۱۲۲۵-۱۲۱۵ هجری قمری در سنندج متولد شد. در سال ۱۲۶۵ منشی امان‌الله خان ثانی، والی کردستان بود. کتاب «حدیقه امان‌اللهی» از تألیفات اوست. وی اشعار زیادی در مدح و رثای اهل‌بیت^(ع) دارد. وی ترکیب‌بند زیبایی در شهادت حضرت امام حسین^(ع) سروده است که مطلع آن بیت زیر است:

دی بامداد صبح کزین طشت واژگون

دیدم عیان به دهر روان است موج خون

وقتی این سروده شاعر را زمزمه می‌کنید به‌نوعی، ترکیب‌بند محتشم کاشانی را در ذهن انسان تداعی می‌کند. شاعر در بند دوم ترکیب‌بند شیوای خود، کلمه «کربلا» را ردیف قرار داده و علاوه بر آن که موسیقی کناری شعر خود را خوش‌آهنگ کرده است رنج‌مویه‌های خویش را با خواننده تقسیم می‌کند تا خواننده شعرش با او غم و غصه کربلا را زمزمه کنند:

آه از دمی که شاه شهیدان کربلا

آمد سوی مصاف به میدان کربلا

بی نورگشت شمع شبستان احمدی

از تند باد ظلم در ایوان کربلا

بوی بهشت و خون شهیدان دهد کسی

گر بو کند گلی ز گلستان کربلا

لب تشنه اهل بیت، ولی ز آب چشمشان
سیراب گشته خاک بیابان کربلا
جز آب تیغ و زهر سنان لقمه‌ای نبود
از کوفیان نواله مهمان کربلا
معمار روزگار بنای الم نهاد
روزی که ریخت طرح شبستان کربلا
دیوان آدمی لقب از آتش ستیز
بر باد داده خاک سلیمان کربلا

(سندجی، ص ۵۳۲-۵۲۷)

۸- شیخ علی افندی

از دیگر محبان اهل بیت حاج شیخ علی افندی طالبانی است. وی به سال ۱۲۴۸ هـ.ق در کردستان عراق به جهان آمد؛ پدرش شیخ عبدالرحمن خالص از بزرگ‌ترین عالمان خاندان شیوخ طالبانی کردستان عراق بوده است. در عرفان و شرع و حکمت و اصول و حدیث سرآمد بوده و قرآن هم از بر داشته است. هنگامی که شیخ سعید از مشایخ کردستان عراق در موصل بر دست دشمنانش کشته شد وی در رثای او شعری سرود که هواداری شدید از اهل بیت^(ع) و دشمنی با دشمنان اهل بیت در این شعر به خوبی نمایان است:

نه در خورشید تاب مهر و نه در مه ضیا باشد
نه در روی فلک شرم و نه در دوران حیا باشد
گهی با ابن ملجم، شیر یزدان را زند ناوک
گهی با شمر آن در قتل شاه کربلا باشد
سری کز عرش برتر، بسترش آغوش پیغمبر
به خاک انداخته پیشش برند آن کی روا باشد
چرا آتش زدی ای بی‌مروت در دل زهرا
تو را اندیشه‌ای از برق تیغ مرتضی باشد
بریزان از دو دیده اشک حسرت «خالصا»
هردم که آل فخر عالم، بسته دام بلا باشد
به خون دیده جوهر دار کردم حرف تاریخش
پدر در کربلا و خود شهید نینوا باشد

(شیخ احمدی، ص ۱۶۷)



۹- شیخ رضا طالبانی

فرزند شیخ عبدالرحمان از شاعران نامی کربلاست، متولد ۱۲۵۳ هـ.ش که به زبان‌های کردی، فارسی، عربی و ترکی اشعاری را سروده است. شیخ رضا در منقبت و مرثیت آل علی اشعار گوناگونی دارد. وی دو قصیده در سوگ امام حسین (ع) سروده که از هر کدام چند بیتی در زیر می‌آوریم:

در ماتم آل علی، خون همچو دریا می‌رود
تیغ است و بر سر می‌زند دست است و بالامی‌رود
از عشق آل بوالحسن این تیغ زن و آن سینه زن
داد و فغان مرد و زن تا عرش اعلی می‌رود
پیراهن شمع خدا یعنی حسین و مجتبی
جان‌ها همی‌گردد فدا، سرها به یغما می‌رود
کوتاه کن انکار را بدعت مگو این کار را
این سوگ آل حیدر است این خون به بی‌جامی‌رود
از ابن سعد بی‌وفا، شامی و شمر پرجفا
بر آل و بیت مصطفی چندین تعدا می‌رود
بغداد گردد لاله‌گون، در روز عاشورا به خون
وز کاظمین آن سیل خون تا طاق کسرا می‌رود

(صفی‌زاده، ص ۷۶)

لافت از عشق حسین است و سرت بر گردن است
عشق‌بازی سر به میدان وفا افکندن است
گر هواخواه حسینی ترک سر کن چون حسین
شرط این میدان به خون خویش بازی کردن است
سنّیم سنی ولیکن حب آل مصطفی
دین و آیین من و آبا و اجداد من است
شیعه و سنی ندانم دوستم با هر که او
دوست باشد دشمنم آن را که با او دشمن است

(خیریه، ص ۱۲۵)

۱۰- ملک‌الکلام مجدی سقزی

میرزا عبدالمجید فرزند میرزا عبدالکریم متخلص به «مجدی» در سال ۱۲۶۸ هـ.ق در شهر سقز چشم به جهان گشود. وی در سفرنامه حج خود در روز چهارشنبه چهاردهم جمادی

الاول ۱۳۰۶ هـ ق پس از بازگشت از سفر حج به زیارت بارگاه امام حسین^(ع) رفته و قصیده زیر را سروده است:

ای توتیای دیده جان، خاک پای تو
برتر ز عرش، بارگه کبریای تو
تا رستخیز، خون جگر بر زمین چکد
زان شاخ گل که بردم از نینوای تو
تو تشنه جان سپردی و آب فرات هم بود
از تو تشنه تر به لب جان فزای تو
بودند بی خبر که بقا در ولای توست
قومی که خواستند به گیتی فنای تو
رنجی که قاتلان تو را هست روز حشر
امروز مر مر است ز هجر لقای تو
رحمی کن و ز لطف مرا سوی خویش خوان
زان پیش تر که جان دهم اندر ولای تو

(صفی زاده، ص ۲۲۱)

۱۱- سید محمد باقر حیرت سجادی

وی ملقب به «رکن الاسلام» و متخلص به «حیرت» بود که در سال ۱۲۹۴ هـ ق در سنندج به دنیا آمد. او از شاعران ادب کلاسیک کردستان است که در سن ۴۷ سالگی در سال ۱۳۴۱ هـ ق در سنندج فوت کرده است. وی اشعار خود را به زبان های فارسی و عربی سروده است. قصیده زیر یکی از اشعار این شاعر نامی در وصف امام حسین^(ع) است:

ای مظهر جمال حق، ای حضرت حسین
ای نقد عشق خاک تو بر کائنات دین
ای آن که بارگاه تو چون همت رسول
برتر ز وهم بی خرد و بعد مشرقین
بی داغ ماتم تو بود نقد قلب، قلب
چون بی قبول خسرو صاحبقران، حسین
در ماتم تو آیه قرآن چو نظم من
بر خویش جامه های سیاه کرده فرض عین

(صفی زاده، ص ۲۲۶)



۱۲- پروانه بیابانی

وی یکی از شاعران هرمزگان و متولد ۱۳۰۵ هـ ش در بندرعباس است که بیشتر مردم شهرش ایشان را به خاطر شعر عاشورایی «دل می‌تپد برای حسین» می‌شناسند. تا کنون دو مجموعه از ایشان به چاپ رسیده است به نام‌های «قفس خاطره‌ها» و «در گلستان محبت زخم نیش و خار نیست» ابیاتی از سوگ سروده و یک رباعی او:

محرم آمد و دل می‌تپد برای حسین^(۴)

شعار بزم سخن، نام دلگشای حسین^(۴)

عروج پاک حسین است افتخار زمان

و جادوانه‌ترین عشق با ندای حسین

نماز عشق چه شیرین و باشکوه بود

اگرچه غرق به خون است دست‌های حسین

مرام راه حسین است درس مکتب ما

به عاشقان وفادار بر ولای حسین

درود بر همه شاهدان و جان بازان

علی‌الخصوص بر سقای با وفای حسین

بهانه شمع بود صادقانه پروانه

کند به شیوه عشاق جان فدای حسین

یک رباعی از وی:

حسین سرچشمه مهر و وفا بود

و نور دیدگان مصطفی بود

و آن گنجینه شهر مدینه

نصیب خاک پاک کربلا بود

(هفته‌نامه صبح ساحل، ص ۱)

۱۳- سیدنهضت حسینی‌نژاد

در سال ۱۳۰۳ هـ ش در دهستان میان‌رود شهرستان رضوان‌شهر استان گیلان چشم به جهان گشود. پس از تحصیل در دانشگاه، به استخدام آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و چند سال خدمت در مشاغل گوناگون دولتی، بازنشست شد. حسینی کتابی به نام «طالش‌نامه» نوشته است که موضوع آن، تاریخ و مشاهیر طالش است. علاوه بر این، اشعاری در موضوعات گوناگون از جمله مدح و ستایش ائمه اطهار^(ع) سروده که هنوز چاپ نشده است. (حسینی‌نژاد، ص ۳۰) اینک سروده وی درباره امام حسین^(ع):

ره به‌سوی کربلا دارد حسین^(ع)
 لشگر از خیف و منی دارد حسین
 شهریار پاسدار دین حق
 عزم کوی نینوا دارد حسین
 شاهباز شاهد بزم بلا
 کاروانی پربلا دارد حسین
 سرفرازان می‌رود تا سر دهد
 هر دو عالم خون بها دارد حسین
 یادگار پاک نسل فاطمه^(س)
 عصمتی از مرتضی دارد حسین
 آیت لطف خداوند کریم
 رایتی از مجتبی دارد حسین
 قامت عباس او از پا فتاد
 لعنتی بر اشقیا دارد حسین
 تولا و دوستی خود را نسبت به امامان^(ع) و تبری و بیزاری از دشمنان اهل‌بیت را در ادامه
 شعر ابراز کرده است:

زینب و زین العبادش را سلام
 هم‌رهانی خوش لقا دارد حسین
 بر حسین و آل او دارم درود
 خلعتی زیبا ردا دارد حسین
 بر یزید و پیروانش ننگ باد
 نفرتی از ناروا دارد حسین
 دست من بر دامن آل علی
 نهضتی تا ماسوی دارد حسین

۱۴- سید محمود گلشنی

سید محمود گلشنی متخلص به «گلشن کردستانی» در ۱۳۰۹ هـ ش در شهرستان سنندج
 در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. وی برای ادامه تحصیل به شهرهای همدان، شیراز و تهران
 مسافرت کرد و در سال ۱۳۳۳ هـ ش به محافل و مجامع ادبی تهران راه یافت و با شاعرانی
 چون روانشاد مهرداد اوستا و مشفق کاشانی آشنا شد. کردستانی در دهم دی‌ماه ۱۳۷۱ دارفانی
 را وداع گفت. از این شاعر گران‌قدر، مجموعه اشعاری به نام «تندر» به یادگار مانده است.



به اشک سرخ پرور مرتضی بین
 به جسم خسته خون خدا بین
 به جان‌ها زخم بی‌مرهم نشسته
 غریبان را به درد بی‌دوا بین
 زخود بیگانه شو در قَلْزَم درد
 به موج خون، جمال آشنا بین
 به بام آسمان برحال فرزند
 پریشان، مصطفی و مرتضی بین
 سر زینب به دامان پیمبر
 به تیغ کافران از تن جدا بین
 اگر هنگامه محشر ندیدی
 همان هنگامه را در کربلا بین

(اورامی، ص ۳۳۰)

۱۵- قربان‌قلی قرجه

وی متولد ۱۳۴۴ در روستای بصیرآباد بندرترکمن است. در حال حاضر امام جماعت مسجد بلال روستای خواجه نَفَس گمیشان تپه است. وی اشعاری به زبان فارسی و ترکمنی در مدح و منقبت حضرت امام حسین^(ع) و امام رضا^(ع) سروده است. چند بیت از سروده وی در مدح و ستایش حضرت اباعبدالله حسین^(ع):

گنج کان مصطفایی یا حسین بن علی
 نور چشم مصطفایی یا حسین بن علی
 منبع ایمان و فضل و هم کلید ممکنات
 معدن لطف خدایی یا حسین بن علی
 منجی دین حیبی، آفتاب دو جهان
 فیض نور اولیایی یا حسین بن علی
 میوه باغ محمد^(ص) هم گلستان نبی
 دُرّ تاج اتقیایی یا حسین بن علی
 امر معروف حقیقت، سنت و فرض شریع
 حل هر مشکل گشایی یا حسین بن علی
 افتخار اهل‌بیتی، چشم و فخر فاطمه
 گوهر خیر النسایی یا حسین بن علی

تو همان مظلوم و هم معصوم صحرای بلا
خون حق در کربلایی یا حسین بن علی
چون قبول کبریایی سروری بر این سرا
سرفراز آن سرایی یا حسین بن علی
تشنه آب فراتی، چشمه آب حیات
تاجدار قل کفایی یا حسین بن علی
تو در رد و قبولی بر دعای مؤمنان
چون امام و پیشوایی یا حسین بن علی
تو گواهم باش به مدح ای شهید کربلا
ناجی فردای مایی یا حسین بن علی
بیت زیر نیز از اوست:

ای دوست یقین دان و یقین دان و یقین دان
فردا که شود شافع ما دست حسین است

۱۶- عبدالغفور عظیمی

وی در ۱۳۳۸ در شهرستان درمیان، از شهرهای خراسان جنوبی چشم به جهان گشود؛ و مدت سی سال تدریس کرد تا سرانجام در سال ۱۳۸۶ بازنشست شد. «ارغنون عشق» اولین دفتر شعر اوست که به چاپ رسیده است. وی در اشعار خود علاوه بر درون‌مایه‌های گوناگون به مدح پیامبر و حضرت فاطمه^(س) و ائمه اطهار^(ع) نیز پرداخته است. وی دو سروده درباره کربلا و عاشورا دارد که ما از هر کدام چند بیتی را می‌آوریم:

عاشقان صحنه دشت بلا را عشق کشت
شاه مظلوم شهید کربلا را عشق کشت
نور چشم حضرت زهرا ی اطهر فاطمه
پاره جان علی شیر خدا را عشق کشت
سرور و سردار و سالار جوانان بهشت
در ره دین نبی، آل عبا را عشق کشت
ماه لشکر حضرت عباس و یاران امام
آن شهیدان به شمشیر جفا را عشق کشت

وقتی که از دین نبی آداب می‌رفت
امت به لایبی ظالم خواب می‌رفت



خورشید عاشورا به گوش طبل خون زد
زیرا زکف اسلام پاک و ناب می‌رفت
خورشید می‌رفت از برای دُرفشانی
خفاش شب بر شادی ارباب می‌رفت...
آیا شنیدی برتن گل تازیانه
آن هم به دست مردم ناباب می‌رفت
نامحرمان بر خیمه‌ها آتش فکندند
در کربلا از اشک و خون سیلاب می‌رفت

۱۷- محمدعظیم عظیمی

در خردادماه ۱۳۲۷ در روستای درمیان بیرجند متولد شد. در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» دانشکده الهیات دانشگاه تهران تحصیل کرد. از سال ۱۳۵۹ در بیرجند علاوه بر تدریس، در مجامع ادبی و جلسات شعر شرکت فعال داشت. و اشعار زیادی در قالب‌های مختلف با موضوعات گوناگون به‌ویژه مدح و ستایش پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع) سرود. دیوان شعری از وی به نام «دیوان عظیمی» به چاپ رسیده است. ابیاتی از سروده وی درباره کربلا و عاشورا:

بر شاهد کربلا بگریید
با نوحه و بانوا بگریید
بر سینه و سر زنید از غم
پُرشین و پُرسدا بگریید
بر سرور شاهدان عالم
چون صاحب هر عزا بگریید
محراب حضور آشنایی است
در محضر کبریا بگریید
در سوگ حسین و جمله یاران
خالق چو دهد جزا بگریید

(عظیمی، ص ۴۳)

۱۸- محمدرضا سروش

در سال ۱۳۵۰ در شهر بیرجند متولد شد و در رشته باستان‌شناسی تحصیل کرد. وی در سروده‌هایش، ارادت خود را به اهل‌بیت پیامبر^(ص) بیان کرده است. وی اندیشه و عواطف خود را درباره امام حسین^(ع) و کربلا این‌گونه بیان کرده است:

حسین احیاگر دین خدا بود
که خون قدسی‌اش سرّ بقا شد
حسین بر دین احمد پاسبان است
سرود عاشقی از او روان شد
حسین و صبر ایوب در دل او
میان قلب عاشق منزل او
حسین خود شرح و تفسیر بلا شد
که خون پاکش عطر کربلا شد

(برفی، ص ۳۵۲)

کربلا یک قطعه از ایمان ماست
کربلا جولانگه وجدان ماست
کربلا ده شب ز شب‌های خدا
کربلا اشک دو چشم مبتلا
کربلا رسوا کند بدکار را
کربلا رعنا کند دلدار را

(برفی، ص ۳۵۳)

یادداشت: سروده‌هایی که منابع آن‌ها قید نشده است. از اشعارارسالی شاعران به نگارنده مقاله است.

منابع:

الف: کتاب‌ها

- اصفهانی، ابوالفرج، (۱۳۶۴) الاغانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،
- اقبال لاهوری، محمد، (۱۳۷۷) اشعار فارسی اقبال، محمود علمی، انتشارات جاویدان، چاپ سوم
- اورامی، شاهرخ، (۱۳۹۲) مهر رضوی^(۱) و ادبای کرد، مشهد، بنیاد بین‌المللی فرهنگی - هنری امام رضا^(۲)
- برفی، محمد، (۱۳۸۸) سیمای حسنین از منظر اهل بیت، نشر مؤلف،
- جام، شیخ احمد، (۱۳۷۷) دیوان احمد جام، تصحیح احمد کرمی، انتشارات ما،
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۸۹) دیوان جامی، تصحیح دکتر محمد روشن، انتشارات نگاه
- حسینی حسامی، سیداحمد، (۱۳۶۹) دیوان گنجینه حقیقت، به کوشش، سید محمود حسینی نسب، سترگ،
- حسینی نژاد، سیدنهضت، (۱۳۸۹) تالش نامه، رشت، نشر بلور،
- خالصی قادری، عبدالرحمان، (۱۳۷۳) جذبه عشق، نشر محمود محمدی طالبانی، چاپ چهارم، سنندج
- خیریه، بهروز، (۱۳۸۹) اهل بیت پیامبر در شعر شاعران کرد، قم، کتاب فردا،
- درویشی، هادی، (۱۳۷۹) تولای علی^(۳) در ادب و فرهنگ شعرا و عرفای کرد اهل سنت، سنندج، ستاد سال امیرالمؤمنین امام علی^(۴) استان کردستان،



- ریاحی، محمدمبین، (۱۳۶۷) زندگی، اندیشه و شعر کسایی، توس
- سنندجی میرزا عبدالله، (۱۳۴۴) حدیقه امان الاهی، تصحیح و تحشیه دکتر خیامپور، تبریز،
- شافعی، محمدبن ادریس، (۱۹۸۸م) دیوان اشعار، بیروت، دارالفکر
- صدوق، ابن بابویه (۱۴۱۷ق) الامالی، قم، مؤسسه بعثت،
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۱) تاریخ ادبیات در ایران، فردوسی، چاپ یازدهم،
- صفی‌زاده، فاروق، (۱۳۸۸) امامان شیعه به روایت اهل سنت، مدحت،
- صفی‌زاده صدیقی، (۱۳۶۶) پارسی گویان کرد، عطایی
- طالبانی، رضا، (۱۹۴۶م) دیوان شیخ رضا طالبانی، بغداد، معارف،
- عظیمی، محمدعظیم، (۱۳۹۰) دیوان اشعار، به کوشش فاطمه بیدختی و محمود رفیعی، هیرمند
- فاضل، علی، (۱۳۷۳) شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ احمد جام، توس
- مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۸۵) مثنوی معنوی، به کوشش پرویز عباسی داکانی، انتشارات الهام،
- مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۶۳) دیوان شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، امیرکبیر، چاپ سوم

ب. مقالات

- شیخ احمدی، سیداسعد، (۱۳۷۵) «محبت اهل رسول و شاعران کرد»، فصلنامه مشکوه، ش ۵۰،
- میرآقایی، سیدهادی، (۱۳۹۴) «امام رضا^(ع) در اشعار سیدای نسفی» حبل‌المتین، ش ۱۰
- یزدان پرست، حمید (۱۳۹۰) «شمیم علوی در گلستان سعدی» اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۶۸
- نامشخص، (۱۳۹۴) بانوی شاعر نود ساله هرمزگانی، صبح ساحل، ۱